موضوع: کاربرد علم عرفی و اطمينان آور در اعتقادات

بررسی ادله حجیت ظنون خاص در اعتقادات

در جلسات قبل سه دلیلی که بر حجیت ظنون خاصه در اعتقادات مطرح شده بود بیان شد. یکی از آن ها دلیل انسداد بود که گفته شد این دلیل در مورد اثبات حجیت ظنون خاصه در فروع نیز ناقص است تا چه رسد به اثبات آن در اصول.

دلیل دوم معرفت در اعتقادات بود که ادعا شده بود معرفتی که در اعتقادات شرط است علم است اعم از علم یقینی خاص و علم معتبر نزد عقلا . گفته شد این دلیل نیز تام نیست زیرا اگر فرض ما این باشد که ظنون خاص از اقسام ظنون هستند در این صورت کما کان باید آن ها را ظن بدانیم و نمی توانیم آنها را داخل در مقوله علم کنیم. بله مگر اینکه آنها را از اقسام علم بدانیم و بگوییم که علم دو گنه است: علم یقینی خاص و علم اطمینان آور عرفی.

دلیل سوم، اطلاق ادله ظن خاص بود که شامل فروع و اصول می شود. در اشکالی گفته شده بود که میان ادله حجیت ظن و ادله ناهی از تبعیت ظن تعارض است. وجه تعارض آن بود که رابطه میان این دو عام و خاص من وجه است و ظن خاص در عقاید نقطه تعارض آن است. در رد این اشکال گفته شد: از کجا ادعا می کنید که ادله ناهیه مربوط به عقاید است.

در اشکال دیگری بر این دلیل گفته شده بود که ادله حجیت ظن خاص نسبت به ادله ناهیه پیروی از ظن، عام و خاص مطلق است، و قاعده این است که خاص بر عام مقدم است، اما اینجا این قاعده جاری نیست زیرا عام که ادله ناهیه باشد اظهر است در حالی که ادله حجیت ظن خاص ظهور دارد و لذا تقیید صورت نمی گیرد.

در بررسی گفته شد شاید مراد از اظهریت این است که ادله ناهیه به منطوق دلالت دارند در حالی که دلالت ادله حجیت ظن خاص از طریق مفهوم است مانند آیه «ان جائکم فاسق بنبا فتبینوا»، و دلالت منطوق اقوی از دلالت مفهوم است. این اشکال وارد نیست زیرا ادله حجیت ظن خاص منحصر در امثال این آیه نیست، بلکه عمده دلیل آن سیره عقلا است که در مرآی و منظر شارع مقدس صورت گرفته و ایشان آن را رد نکرده بلکه امضا نموده است. دایره سیره عقلا نیز مربوط به احکام عملی نیست بلکه شامل عقاید نیز می شود.

نکته ای در مورد سیره عقلا

سیره عقلا خودش بما هو سیره عقلا حجت نیست بلکه باید در مرآی و منظر شارع مقدس صورت گرفته باشد و ایشان رد نکرده باشد. گفته می شود از آنجا که عقلا اعلامیه حقوق بشر را مورد توافق قرار داده اند همه باید به آن ملتزم و پایبند باشند، در صورتی که سیره عقلایی معتبر است که عقلا به ما هم عقلا در آن مطرح با،. اما سیره عقلایی که مبانی هستی شناختی و انسان شناختی در آن تاثیر گذاشته است دیگر سیره عقلا نیست.

اگر سیره عقلا به فطرت و عقل بدیهی برگردد در این صورت به حجیت عقل بر می گردد و معتبر است، زیرا یکی از منابع احکام، عقل مستقل است مثل حسن عدل و قبح ظلم، اما آنچه تحت تاثیر مبانی فرد بیان شده است دیگر حجت نخواهد بود.

بنابراین اولا: ادعای اظهریت ادله ناهیه، صرف یک ادعا است و دلیلی ندارد؛ ثانیا: این قاعده که اگر عام قوی باشد مقدم بر خاص است، اجماعی نیست بلکه مورد اختلاف میان علمای اصولی است؛ ثالثا آنچه بیان شد وقتی است که ادله ناهیه انصراف نداشته باشد اما اگر بگوییم مراد از ظن ناهی، ظنی است که نزد عقلا معتبر نباشد در این صورت، در این صورت ادله ظن خاص وارد بر این ادله بوده و خروج ظنون خاص، خروج تخصصی است نه تخصیصی یعنی اصلا داخل در عام نبوده تا خارج شود بلکه از اول خارج بوده است .

تا اینجا روشن شد دلیل سومی که بر حجیت ظنون خاص در عقاید اقامه شده قابل دفاع است و اشکال گفته شده وارد نیست. تنها یک نکته باقی می ماند و آن اینکه در باب فروع عملیه انجام عمل بر اساس شک هم درست است، اما حقیقت عقیده و ایمان از جنس علم نیست، بلکه التزام قلبی و گرویدن است. قرآن کریم می فرماید: «قالَتِ الْأَعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإيمانُ في‏ قُلُوبِكُم‏»[[1]](#footnote-1). در این آیه مرکز ایمان، قلب و دل و حقیقت آن التزام قلبی دانسته شده است. این دل بستن با شک و تردید سازگاری ندارد. بنابراین چون خصوصیتی اعتقاد دارد که عمل ندارد، دلیل حجیت ظن خاص در احکام، نمی تواند حجیت آن را در اعتقادات به همراه داشته باشد.

اما این اشکال هم وارد نیست زیرا آنچه مهم است اثبات جهت صدور روایت است. اگر ثابت شود که روایتی درست است دیگر فرقی نمی کند مدلول آن مربوط به فروع باشد یا اصول . این مانند آن است که کسی به صورت مشافهه کلام امام (ع) را بشنود در این صورت فرقی نمی کند آنچه امام بیان می فرماید یک مساله فقهی است یا اعتقادی. بنابراین آنچه مهم است حل معبر جهت صدور است. شاهد آن ایتکه گاه یک مساله عملی از اهمیت بالاتری نسبت به مساله اعتقادی برخوردار است مانند مساله نماز که ستون دین است در مقابل مساله اعتقاد به سوال نکر و منکر در قبر .

نکته دیگری که باید در اینجا مورد توجه قرار گیرد، بررسی آیاتی است که ظن و تبعیت از آن را توبیخ کرده است. البته آیاتی در قرآن کریم نیز آمده است که ظن را مورد مدح قرار داده است . بررسی این مساله انشاء الله در جلسه آینده صورت می گیرد.

1. سوره حجرات، آیه 14 [↑](#footnote-ref-1)